

متاسفانه تا حالا چنین حرکت‌هایی را از وزارتخانه ندیده‌ایم و ناچاراً خانه معدن این موضوعات را پیگیری می‌کند. در مورد بازنشستگی کارگرانی که در معادن مشغول به کار هستند هم به دلیل اینکه کار در معدن جزو مشاغل سخت و زیان آور محسوب می‌شود و کارگران معدن می‌توانند زودتر از موعد بازنشسته شوند. اما این مشکل بزرگ بین تامین اجتماعی و صاحبان معدن است، رقم‌های نجومی را صاحبان معدن باید برای بازنشستگی ۲۰ یا ۲۵ ساله پرسنل خود بپردازند و در حال حاضر برای معدنی که از عمرشان مدتی می‌گذرد یک به یک با این موضوع مواجه می‌شوند، به ناچار کار در معدن را به کارگران فصلی با قراردادهای موقت می‌سپارند که مورد پسند کارفرما، کارگر و دستگاه‌های نظارتی نیست در حالی که این مساله نیز با یک تعامل مثبت بین طرفین قابل حل است.

با این وصف، شرایط چندان راضی‌کننده به نظر نمی‌رسد!

شرایط از جهت مسائل حاکمیتی در استان کرمان جالب نیست چون ما با استان‌های دیگر در ارتباط هستیم و بررسی می‌کنیم. با وجود معدنی بودن استان کرمان، متاسفانه توجه به معدن و معدنکاری در این استان نهادینه نشده و بسیاری از مسئولان و دست‌اندرکاران حتی در دستگاه‌های نظارتی و قضایی این تصور را دارند که معدن‌دار است شمارگر است در حالی که اصلاً این‌گونه نیست. معدن‌دار باید مقررات بسیار زیادی را رعایت کند، نسبت به بسیاری از مسائل آگاهی داشته باشد اما در حال حاضر معدن‌داران ۶۵ درصد زمان‌شان صرف مسائل حاشیه‌ای می‌شود، بخش بزرگی از این شرایط را متوجه وزارت صنعت، معدن و تجارت می‌دانم که باید به عنوان متولی امر پیش‌بینی این مسائل را داشته باشد.

از طرفی دیگر بسیاری از دستگاه‌های اجرایی شرکت‌های سرمایه‌گذاری دارند که آنها هم توان مالی بسیار بزرگی دارند و به پشتوانه بودجه‌ها و اعتبارات دولت هم نفوذ قابل توجه دارند در نتیجه وقتی که شرط فنی و شرط مالی برای یک کار اکتشافی یا یک کار استخراجی گذاشته می‌شود معمولاً مجموعه‌های شبه دولتی با این شرکت‌های سرمایه‌گذاری انتخاب می‌شوند و بخش خصوصی هم توان سرمایه‌گذاری با این حجم ماشین‌آلات را ندارند و در نتیجه کار منحصر به چند مجموعه می‌شود.

شخصاً فکر می‌کنم سیاست وزارتخانه حمایت از این مجموعه‌هاست و کمتر به بخش خصوصی می‌پردازد با این تصور که مثلاً ۹۰ درصد حقوق دولتی استان کرمان را ۲ یا ۳ معدن بزرگ می‌پردازند و ۴ هزار تا محدوده معدنی دیگر کمتر از ۴ یا ۵ درصد، چه دلیلی دارد که ما وقت‌مان را صرف ۴ تا ۵ هزار محدوده معدنی ثبت شده کنیم، در حالی که همان دو مجموعه که ۹۵ درصد نیاز ما و خواسته‌های وزارتخانه را تامین می‌کنند همان‌ها حمایت شوند و به دغدغه آنها توجه شود.

به جز مسائل حاکمیتی، چه موانع دیگری پیش‌روی معدن وجود دارد؟

بخشی از مشکلات حوزه معدن صرفاً مسئله حاکمیتی نیست حاکمیت دخیل است اما صرفاً حاکمیتی نیست، تامین مالی در حوزه معدن بسیار گران‌تر از بقیه حوزه‌هاست؛ حوزه معدن یک حوزه سرمایه‌براست و با حوزه IT یا حوزه‌های شبیه آن متفاوت است اما تامین مالی برای حوزه معدن هیچ استثنایی با سایر حوزه‌ها ندارد، معدن‌دار حتی اگر موفق شود با وام ۲۴ درصد تامین مالی شود، بانک‌ها پروانه معدن را به عنوان وثیقه قبول نمی‌کنند و معدن‌دار باید یک وثیقه ملکی بگذارد تا بتواند فعالیت معدنی انجام دهد.

بر خلاف اینکه قانون وجود دارد که پروانه بهره‌برداری یا پروانه اکتشاف معدن به عنوان یک سند رسمی دولتی می‌تواند وثیقه باشد ولی بانک‌ها این را نمی‌پذیرند و از این بابت هیچ حمایت و پیگیری از طرف وزارتخانه انجام نمی‌شود. پس تامین مالی کار بسیار سخت و گرانی است که باعث می‌شود هزینه تولید یا قیمت تمام شده محصول افزایش یابد و در نتیجه توان رقابت معدن‌دار ایرانی با رقبای بین‌المللی کاهش پیدا می‌کند.

نکته دیگر بحث رویکرد علمی با حوزه معدن که شامل بحث اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری و فناوری‌های بعد از آن است که متاسفانه ما در دانشگاه‌ها پیمان فارغ‌التحصیل رشته معدن، زمین‌شناسی و متالورژی داریم اما آنها در هر مقطعی، کمتر مهارت اجرایی دارند.

بنابراین لازم است که در بحث آموزش‌ها در حوزه معدن بازنگری شود و به شکل دیگری به موضوع نگاه شود، دانشجویان در زمان تحصیل در معادن فعالیت انجام دهند. موضوع دیگر وجود ماشین‌آلات معدنی در کشور است که فرسوده هستند و میانگین سنی آنها ۱۵ سال به بالاست. در سال‌های اخیر هم که شرایط به شدت سختگیرانه‌تر شده و برندهای معروف و معتبر هیچکدام ماشین‌آلات به ایران صادر نکردند و ما محدود شدیم به ماشین‌های خاص که از بعضی کشورها وارد می‌شد، در نتیجه کیفیت ماشین‌آلات و نحوه بهره‌برداری کاهش بیشتری پیدا کرد.

به نظر می‌رسد بخش قابل توجهی از غیر بومی‌ها هم در بخش معدن حضور دارند؟

اکنون با مشکل پیمانکاران غیر بومی معدن نیز مواجه‌ایم. عده زیادی از راننده‌های آنها یا پرسنل معدن، بومی نیستند پس سرمایه‌ای از استان خارج می‌شود از این بابت هم معضل اشتغال و بیکاری همچنان باقی می‌ماند، در استان آمار دقیقی از این موضوع نداریم ولی برآوردها نشان می‌دهد که کمتر از ۳۰ درصد شاغلان حوزه معدن در استان کرمان بومی هستند. در حال حاضر معدن بزرگ استان با مشکل پرسنل غیر بومی مواجه‌اند که چنانچه آموزش و این سرمایه‌گذاری‌ها در استان انجام شود بسیاری از مسائل مالی و سرمایه‌ای استان و مسئله بیکاری قابل حل و قابل جبران است. بنابراین آموزش‌ها دو جنبه دارد اول، آموزش در دانشگاه‌ها که آموزش‌های بیشتر مهارتی شود مثلاً در کرمان یکی از دانشگاه‌ها رشته کارشناسی زمین‌شناسی نفت در مقطع ارشد دارد در حالی که هیچ چاه نفت و یا حوزه نفتی در استان کرمان نداریم. این آموزش‌ها باید متناسب با آن منطقه و متناسب با استان باشد. کارشناس متخصص زغالسنگ در استان نداریم در حالی که حوزه زغالی کرمان مهمترین حوزه زغالی کشور و خاورمیانه است یا متخصص استخراج سنگ تزئینی نداریم در حالی که پتانسیل سنگ تزئینی کرمان بسیار زیاد است.

نکته بعدی هم آموزش‌های کافی در مورد بازاریابی و فروش محصولات معدنی نداریم و تحلیل زنجیره ارزش حوزه معدن را نمی‌توانیم صحیح انجام بدهیم که آیا یک ماده معدنی را اگر بلافاصله بعد از استخراج بفروشیم ارزش افزوده بیشتری ایجاد می‌کند یا خیر.

سال‌ها شاهد گسست در زنجیره ارزش در بخش معدن استان هستیم. در این زمینه توضیح دهید؟

دقیقاً. ببینید وقتی صنعت فولاد را که مبتنی بر سنگ آهن در استان کرمان شکل می‌گیرد بررسی می‌کنیم حتی اگر همین الان فرض کنیم که این مجموعه‌ها به تولید رسیدند صبر نکنیم تا ۳ سال آینده با توجه به یارانه‌هایی که بابت انرژی می‌دهیم فولاد تولید شود باز هم با بازارها و رقبای جهانی اختلاف داریم و قیمت ما بالاتر است و نمی‌توانیم محصول‌اتمان را بفروشیم. مشخص است که زنجیره ارزش تحلیل نشده که مزیت ما در تولید مثلاً کنسانتره است یا

